

دعا



دعا

دعا، برای شخص ایماندار در اتحاد با مسیح به حضور خداوند رفتن، او را حمد و سپاس گفتن، از او طلب بخشش کردن، بخاطر تمام لطف هایش او را شکر کردن، با او گفتگو کردن، به خواسته او گوش کردن و احتیاجاتمان را از او طلب کردن می باشد.

عیسی مسیح قبل از مرگ خود به شاگردانش چنین فرمود: "یقین بدانید هر چه بنام من از پدر بخواهید به شما خواهد داد" (یوحنا ۱۶، ۲۳). بر اساس این وعده ما می توانیم هر تقاضایی را در نام عیسی با پدر آسمانی در میان بگذاریم. و از آنجایی که خدا قادر مطلق است او می تواند در خواست های کوچک و بزرگ ما را مستجاب کند.

اما اولین سوالی که پیش می آید این است: **خدا چطور به ما پاسخ می دهد؟** خدا به سه صورت به تقاضاهای ما پاسخ می دهد: پاسخ مثبت و فوری؛ پاسخ مثبت که بعد از مدتی مستجاب می شود؛ و یا پاسخ منفی.

الف) پاسخ مثبت و فوری

در کتاب اعمال رسولان فصل ۴ آیه ۲۳ تا ۳۱ چنین می خوانیم: "پطرس و یوحنا پس از رهایی نزد یاران خود بازگشتند و آنچه را که سران کاهنان و مشایخ به آنها گفته بودند، بازگفتند. چون این را شنیدند، یکصدا به درگاه خدا دعا کرده، گفتند: «ای خداوند حاکم بر همه امور، ای آفریننده آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنهاست، تو خود به واسطه روح القدس از زبان پدر ما، خادم داور، فرمودی: «از چه سبب قومها بشورند و ملتها به عبث دسیسه کنند؟ پادشاهان جهان صف آرایند و حاکمان گرد هم آیند، بر ضد خداوند و بر ضد مسیح او.»"

براستی که در همین شهر، هیروдіس و پُنطیوس پِیلاطُس با غیریهودیان و قوم اسرائیل بر ضد خادم مقدس عیسی که او را مسح کردی، همدست شدند، تا آنچه را که دست و اراده تو از پیش مقدر کرده بود، تحقق بخشند. کنون، ای خداوند، به تهدیدهای ایشان نظر کن و خادمان خود را عنایت فرما تا کلامت را با شهادت کامل بیان کنند، و نیز دست خود را به شفا دراز کن و به نام خادم مقدس عیسی، آیات و معجزات به ظهور آور.»

پس از دعای ایشان، مکانی که در آن جمع بودند به لرزه درآمد و همه از روح القدس پر شده، کلام خدا را با شهادت بیان می‌کردند.

در اینجا با نکته ای بسیار مهم روبرو می شویم: می بینیم که حواریون تحت فشار تهدید ها و در شرایطی نا مساعد بسر می بردند. وقتی ایمانداران متحداً دعا کردند تقاضای آنها این نبود که مخالفینشان نابود بشوند یا به هر قیمتی از مشکلاتی که داشتند رهایی یابند. آنها به درگاه خدا دعا کردند که توانا بشوند و پیام خدا را با شهادت اعلام کنند. از آنجاییکه آنها نفع خود را نمی طلبیدند بلکه در فکر پیشرفت ملکوت خدا بودند دعایشان فوراً مستجاب شد زیرا با اراده خدا هماهنگی کام داشت.

ب) پاسخ مثبت که بعد از مدتی مستجاب می شود

بعضی وقت ها درخواست ما از خدا طوری است که در عملی شدن آن دیگران هم نقش دارند. از آنجاییکه خدا اراده خود را به مردم تحمیل نمی کند بلکه با صبر و حوصله در زندگی آنها کار می کند تا خودشان آمادگی انجام اراده او را بیابند، به این خاطر دریافت پاسخ مثبت احتیاج به زمان دارد.

در اینجا از شما دعوت می کنم بخشی از کتاب پیدایش را مطالعه کنید و در زندگی ابراهیم چنین حقیقتی را ملاحظه فرمایید. "خدا در رویا به ابراهیم فرمود: «ابرام، مترس، من تو را از خطر حفظ خواهم کرد و به تو پاداش بزرگی خواهم داد.» ابرام جواب داد: «ای خداوند، خدای من، چه پاداشی به من خواهی داد، در حالیکه من فرزندی ندارم؟ تنها وارث من الیعزر دمشقی است. تو به من فرزندی ندادی و یکی از غلامان من وارث من خواهد شد.» پس او شنید که خداوند دوباره به او می گوید: «این غلام تو الیعزر وارث تو نخواهد بود. پسر تو وارث تو خواهد بود.» (پیدایش ۱۵، ۴-۱)

در اینجا خدا بر اساس آنچه که قبلاً یعنی در فصل دوازدهم پیدایش وعده داده بود به ابراهیم اطمینان بخشید که وارث او شخصی از بدن خودش خواهد بود. اما باید در نظر داشته باشیم که تا تولد اسحاق هنوز حدود پانزده سال دیگر هم صبر کرد!

ج) پاسخ منفی

این موضوع، در زندگی پولس رسول، برگزیده خداوند، حواری جسور و باپشتکار عیسی نیز دیده می شود.

در رساله دوم قرن‌تین فصل دوازدهم آیات ۷ و ۹ چنین نوشته شده است: "برای اینکه به خاطر مکاشفات فوق العاده ای که دیده ام مغرور نشوم، ناخوشی جسمانی دردناکی به من داده شد که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بکوبد تا زیاد مغرور نشوم. سه بار از خداوند درخواست کردم که آن را از من دور سازد اما در جواب من گفت: «فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می گردد.»" در اینجا می بینیم که از آنجاییکه ناخوشی جسمانی پولس به منظور فروتن نگهداشتن او، به او داده شده بود و در واقع برای او مفید بود خداوند به درخواست پولس جواب منفی داد. باید توجه داشته باشیم که خداوند نه فقط بطور روشن به پولس جواب منفی داد بلکه علت را نیز برای او بیان کرد.

به جز این سه جواب، اوقاتی هم هست که شخص ایماندار اصلاً پاسخی از خدا دریافت نمی کند! اینک می خواهیم ببینیم چه دلایلی وجود دارد که خدا درخواست ایماندار را بدون جواب میگذارد.

چرا خدا جواب مرا نمی دهد؟

در کتاب مقدس حداقل یازده دلیل مختلف وجود دارد که با توجه به آنها می توان فهمید که چرا خدا درخواست ایماندار را بدون پاسخ میگذارد.

۱- وجود بت در دل

بر اساس کتاب مقدس وجود بت در دل، یکی از گناهانی است که باعث می شود خدا دعای ایماندار را بدون جواب گذارد. در حزقیال نبی می خوانیم: "گروهی از رهبران نزد من آمدند و نشستند. خداوند به من فرمود: «ای انسان فانی، این مردان بتهای خود را در دلهایشان جای داده اند و گناهانشان موجب لغزش ایشان شده است. چرا از من راهنمایی می خواهند؟»" (حزقیال ۱۴، ۱-۳)

مقصود از وجود بت در دل ایماندار چیست؟ یقیناً خدا مایل است جایگاه اول را در قلب و زندگی ایماندار داشته باشد چون او صاحب و مالک ایماندار است. اما متأسفانه گاهی اوقات اشخاص یا چیزهای مختلف جایگاه خدا را در قلب ایماندار اشغال می کنند و اینطور به نظر میرسد که آنها از خدا مهمتر می شوند! هر کس یا هر چیز که جایگاه خدا را در قلب ایمانداران تصاحب کند در واقع بتی است در دل ایماندار.

۲- وجود گناه دانسته در قلب

در مزمور ۶۶ آیه ۱۸ چنین نوشته شده: "اگر به گناهان خود اقرار نمی کردم، خداوند دعای مرا نمی شنید". همچنین در اشعیا نبی فصل پنجاه و نهم آیات ۱ و ۲ نوشته شده است: "فکر نکنید که خداوند آنقدر ضعیف است که نمی تواند شما را نجات دهد یا آنقدر کر است که فریاد شما را برای کمک نمی شنود. به خاطر گناهان شماست که او حرف شما را نمیشنود."

فرض کنید که شما نسبت به برادر یا خواهر خود مرتکب خطایی شده اید و با وجود اینکه می دانید مقصر هستید به عوض در صدد بر آمدن برای جبران، دست روی دست گذاشته و هیچ اقدامی نمی کنید. آیا در چنین شرایطی می توان انتظار داشت که خدا دعای ایماندار را جواب بدهد در حالیکه او گناه دانسته ای در قلب خود دارد؟!

۳- انگیزه بد و نا درست

"اگر از خدا هم بخواهید، دیگر حاجت شما بر آورده نمی شود، چون با نیت بد و به منظور ارضای هوس های خود آن را میطلبید." (یعقوب ۴، ۳)
باید توجه داشته باشیم که خدا مایل است احتیاجات روزانه ما را رفع کند (متی ۶، ۱۱) اما وقتی ایماندار چیزهایی را میطلبد که جزو ضروریات زندگی او نیست و صرفاً به منظور لذت و خوشی جسمانی است جوابی از خدا شنیده نمی شود.

۴- کینه توزی و نبخشیدن دیگران

در انجیل مرقس فصل پانزدهم آیات ۲۵-۲۶ می بینیم که "وقتی برای دعا می ایستید اگر از کسی شکایتی دارید او را ببخشید تا پدر آسمانی شما هم خطایای شما را ببخشد. اما اگر شما دیگران را نبخشید پدر آسمانی شما هم، خطایای شما را نخواهد بخشید."
کلام خدا به طور واضح به ما می گوید که نبخشیدن دیگران باعث می شود که دعای شخص بدون پاسخ بماند. پس نباید کینه در دل نگهداریم و یا روح عدم بخشش در ما باشد. بسیاری حاضرند با این شرط ببخشند که شخص خطاکار فروتن شده و از آنها عذر خواهی کند. اما خداوند از ما انتظار دارد که بدون هیچ شرطی دیگران را ببخشیم. البته بخشیدن دیگران به این معنی نیست که ما گناه را جایز می دانیم! نه، ما از گناه تنفر داریم اما مردم را می بخشیم و آنها را محبت می نماییم.

شاید گفته شود که این کار نشدنی است، ولی شخصی که در مسیح زندگی می کند با کمک او می تواند بدون استثناء دیگران را ببخشد. در مورد بخشش دیگران، خود عیسی بهترین نمونه است (هنگامیکه بر روی صلیب بود گفت: "بابا، آنها را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند") و می بینیم کسانی که واقعاً به او ایمان دارند نیز همانند او و در نام او قادر به انجام چنین کاری می باشند. (ر.ک. اعمال فصل ۷ شهادت استیفان اولین شهید مسیحی).

۵- وجود مشکلات در زندگی زناشویی

در رساله اول پطرس فصل سوم آیه ۷ نوشته شده است "و شما ای شوهران، باید رفتارتان با همسران همیشه با ملاحظه باشد و چون آنها جنس لطیف هستند و در فیض حیات با شما سهیم و شریک می باشند با عزت و احترام با آنها رفتار کنید مبادا دعاهاى شما مستجاب نشود."

تلخی و تیرگی روابط در زندگی زناشویی، به مشارکت ایمانداران با خدا لطمه می زند به همین علت همسران مسیحی باید با محبت و تفاهم با یکدیگر بسر ببرند. خدا مایل است شما بدون در نظر گرفتن رفتار شریک زندگیتان وظایف خود را نسبت به او انجام بدهید و همیشه با او رفتاری خدایپسندانه داشته باشید. در این صورت خدا نه فقط برکتان می دهد بلکه مشکلات موجود در زندگی زناشوییتان را هم بر طرف می کند.

۶- عدم ایمان

بی ایمانی دلیل دیگری است برای بی جواب ماندن دعای شخص ایماندار. در رساله یعقوب فصل اول آیات ۶ و ۷ اینطور نوشته شده است "اما او باید با ایمان بخواهد و در فکر خود شک نداشته باشد، چون آدم شکاک مانند موج دریا است که در برابر باد رانده و متلاطم می شود. چنین شخصی نباید گمان کند که از خداوند چیزی خواهد یافت."

وقتی چیزی از خدا میطلبیم که بر خلاف اراده او نیست باید با ایمان و بدون شک بطلبیم و پیشاپیش یقین داشته باشیم که آنچه را که طلبیده ایم به ما عطا خواهد کرد.

۷- وضعیت درونی نادرست

در انجیل متی فصل ۶ آیات ۵ و ۶ میخوانیم که سرورمان عیسی مسیح چنین فرموده:

"«هنگامی که دعا می‌کنی، همچون ریاکاران مباش که دوست می‌دارند در کنیسه‌ها و سرِ کوچه‌ها ایستاده، دعا کنند تا مردم آنها را ببینند. آمین، به شما می‌گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته‌اند. اما تو، هنگامی که دعا می‌کنی به اتاق خود برو، در را ببند و نزد پدر خود که در نهان است، دعا کن. آنگاه پدرِ نهان ببین تو، به تو پاداش خواهد داد.»"

وقتی یک نفر به منظور جلب توجه دیگران دعا می‌کند و هدف او خود نمایی است نباید از خدا انتظار جواب داشته باشد. شخصی که دعا می‌کند باید فروتن باشد زیرا دعای مغروران مورد پسند خدا قبول نمی‌گیرد (لوقا ۱۸، ۹-۱۴). به مسیح باید با دلی فروتن و خالی از کبر و غرور دعا کنیم چون وضعیت درونی نادرست باعث می‌شود که دعای ما بدون جواب بماند.

۸- وجدان ناراحت

در رساله اول یوحنا فصل سوم آیات ۲۱ و ۲۲ نوشته شده است که "ای عزیزان، اگر وجدان ما، ما را محکوم نمی‌سازد، ما می‌توانیم با اطمینان به حضور خدا بیاییم و او تمام خواهش‌های ما را بر می‌آورد زیرا ما بر طبق احکام او عمل می‌کنیم و آنچه را که مورد پسند اوست بجا می‌آوریم."

چگونه می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که وجدان ما اشتباه نمی‌کند؟ اگر مرتباً با کلام خدا در ارتباط باشیم، وجدان ما کاملاً تحت تاثیر آن قرار گرفته و بر طبق آن در زندگی راهنمای ما می‌شود.

۹- عدم هماهنگی با اراده خدا

در هنگام دعا کافی نیست که فقط با ایمان چیزی را طلب کنیم، بلکه نکته مهم دیگری نیز وجود دارد و آن این است که آنچه که می‌طلبیم با خواست و اراده خدا هماهنگی دارد یا نه! این حقیقت مهم در رساله اول یوحنا نیز به ما آشکار می‌شود: "اطمینان ما در حضور خدا این است که اگر از او چیزی بخواهیم که مورد اراده او باشد به ما گوش خواهد داد." (اول یوحنا ۵، ۱۴)

خانمی که شوهرش فوت کرده بود در دعا تقاضا کرد که برای چند دقیقه هم که شده روح شوهرش نزد او بیاید تا او بتواند با شوهر خود صحبت کند!!! بر اساس شهادت این خانم وقتی دعای او به پایان رسید ناگهان اطاق تاریک شد و منظری که ادعا می‌کرد شوهر اوست با او سخن گفت! آن خانم که متوجه نبود دعای او بر خلاف اراده خدا بوده است از این طریق خود را بازیچه شیطان قرار داد و شیطان فرصت یافت که او را فریب بدهد. در کلام خدا صریحاً ذکر شده است که احضار ارواح و تماس با مردگان جزو اعمال گناه آلود و نفرت انگیز است (تثنیه ۱۸، ۱۰-۱۲).

۱۰- بی اعتنا بودن به راهنمایی های خدا

خدا معمولاً از طریق کلام خود با ما صحبت می کند و اراده خود را به ما نشان می دهد. اگر مطیع کلام خدا باشیم او ما را برکت می دهد اما چنانچه به کلام خدا و آنچه که او از ما می خواهد بی اعتنا باشیم او نیز دعاها را نخواهد شنید. در کتاب زکریای نبی می خوانیم که "همانطور که او ندا کرد و آنها او را نشنیدند همچنین یهوه میگوید ایشان فریاد خواهند برآورد و من نخواهم شنید." (زکریا ۷، ۱۳)

۱۱- عدم ترحم

در امثال سلیمان فصل بیست و یکم نوشته شده است که "هر که گوش خود را از فریاد فقیر می بندد، او نیز فریاد خواهد کرد و مستجاب نخواهد شد." ما ایمانداران به مسیح که از محبت خدا بهرمنده ایم بایستی هموعان خود را محبت کنیم. خدا مایل است که ما در عمل محبت مسیح را به هموعان خود نشان دهیم و حتی الامکان محتاجان را کمک کنیم. ایمانداری که شخص محتاج را می بیند و با وجود توانایی قدمی در جهت رفع احتیاجات آنان بر نمی دارد نباید انتظار داشته باشد که خدا دعای او را مستجاب کند.

پس برادران عزیز، با ایمان به مسیح و اعتماد به سخن او، آنچه را که احتیاج دارید در نام عیسی خداوند بخواهید و مطمئن باشید که پدر قادر مطلق برای جلال نامش به طلب شما گوش فرا داده آن را به شما عطا میکند. جلال بر خدای پدر و پسر و روح القدس چنانکه از روز نخست بوده، اکنون هم هست و تا ابدالابد خواهد بود آمین.

